



الگوی پنج‌گانه تربیت عاقبت‌اندیش در تمدن اسلامی:
بازخوانی قرآنی-روایی از تربیت تمدن‌ساز

دریافت: ۱۴۰۴-۰۶-۰۵
بازنگری: ۱۴۰۴-۰۹-۲۶
پذیرش: ۱۴۰۴-۱۲-۰۳
انتشار آنلاین: ۱۴۰۵-۰۲-۳۰

<https://doi.org/10.22034/jksl.2026.541716.1499>



فرحناز وحید نیا*



سیدمحمدرضا حسینی نیا^۲

مقاله: پژوهشی

چکیده

در منظومه فرهنگی و تمدنی اسلام، تربیت فرزندان فراتر از یک وظیفه خانوادگی، مأموریتی استراتژیک و تمدن‌ساز است که با هدف پرورش نسلی مسئول، عاقبت‌اندیش و متعهد به ارزش‌های الهی و اجتماعی طراحی شده است. قرآن کریم با تأکید بر مفاهیمی چون «عاقبت‌اندیشی»، «تدبیر»، «حلم» و «نظر در عواقب»، چارچوبی راهبردی برای تربیتی فراهم می‌آورد که فرد را نه تنها در قبال سرنوشت خویش، بلکه در برابر آینده جامعه و امت مسئول می‌داند. در این رویکرد، «عاقبت‌اندیشی» - به معنای تأمل آگاهانه در پیامدهای اعمال و تصمیمات برای نسل‌های آینده - به‌عنوان هوش استراتژیک تمدن اسلامی جایگاهی محوری یافته و در نهادهای خانواده، آموزش و جامعه نهادینه می‌شود. روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز با محوریت تعلیم علم، تنظیم معیشت، تربیت مهارت‌های زیستی و وصایای فرهنگی، پنج شیوه کلیدی برای تحقق تربیت عاقبت‌اندیش ارائه می‌دهند: دانش محوری، مهارت محوری، اقتصاد عاقبت‌اندیش، الگومحوری و وصیت محوری. هر یک از این ارکان، با استناد به نصوص قرآنی و روایی، نه تنها به نیازهای فردی پاسخ می‌دهد، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری انسان تمدنی ای است که در برابر بحران‌های معاصر - همچون گسست نسلی، بحران هویت، و سلطه فناوری‌های بی‌ارزش - دارای بینش، تاب‌آوری، و کنش موثر باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع اصلی قرآنی و حدیثی، نشان می‌دهد که تربیت عاقبت‌اندیش در اسلام، نظامی معناگرا و هدفمند است که به تلفیق هوشمندانه‌ی نیازهای مادی و معنوی انسان می‌انجامد. این مقاله در پاسخ به پرسش بنیادین «آیا تربیت می‌تواند تمدن بسازد؟»، با ارائه الگویی مفهومی-کاربردی از تربیت تمدن‌ساز، نشان می‌دهد که در منظومه‌ی وحیانی اسلام، تربیت نه فقط عامل رشد فردی بلکه موتور پویایی تمدن است.

واژگان کلیدی: تربیت تمدن‌ساز، عاقبت‌اندیشی، قرآن و حدیث، الگوی پنج‌گانه، آینده‌پژوهی اسلامی.

استناد به مقاله:

نام خانوادگی، نام. (سال). عنوان. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، دوره (شماره)، ۱-۰۰.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2026.541716.1499>

farahnaz.vahidnia@cfu.ac.ir

۱. استادیار آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.



در نگاه تمدنی اسلام، تربیت فرزندان تنها یک مسئولیت خانوادگی یا اقدامی اخلاقی نیست؛ بلکه رسالتی راهبردی است که غایت آن، شکل‌دهی نسلی بصیر، دوراندیش و پاسخ‌گو در برابر آینده فردی و اجتماعی خویش است. این دیدگاه، برخاسته از آموزه‌های قرآن است؛ آموزه‌هایی که با مفاهیمی چون «نظر به پیامدها»، «تدبیر»، «جلم» و «آینده‌نگری»، قلمرو تربیت را از سطح رفتار فردی به عرصه هویت‌سازی اجتماعی و ساخت تمدن گسترش می‌دهد. در این چارچوب، «عاقبت‌اندیشی» صرفاً به معنای پیش‌بینی آینده نیست، بلکه نوعی هوش استراتژیک تمدنی است که بر پایه‌ی آن، هر تصمیم تربیتی با تأملی ژرف در پیامدهای بلندمدت آن برای هویت فرهنگی، ثبات اجتماعی و مسیر تاریخی امت اسلامی اتخاذ می‌شود. این مفهوم، در سنت اسلامی، با اصطلاحاتی چون «حَرم»، «رویه» و «تدبیر قبل از عمل» شناخته شده و نماد عقلانیت ایمانی و مسئولیت‌پذیری تاریخی انسان مومن به شمار می‌آید. از وصیت حضرت ابراهیم (ع) به فرزندان دربارۀ ی‌پایداری در ایمان، تا تأکید پیامبر اکرم (ص) بر تعلیم علم از کودکی، و نامه‌های فرهنگی امام علی (ع) به امام حسن (ع)، همگی گواه نهادینه بودن عاقبت‌اندیشی در نظام تربیتی اسلام هستند.

با این حال، پرسشی بنیادین در برابر هر نظریه تربیتی تمدن‌محور مطرح می‌شود: آیا تربیت می‌تواند تمدن بسازد؟ پاسخ اسلام به این پرسش مثبت است؛ زیرا از منظر قرآن و سنت، تمدن حاصل تکرار و تداوم الگوهای فرهنگی، اخلاقی و معرفتی در نسل‌هاست، و تربیت، ابزار انتقال این الگوها محسوب می‌شود. بدون تربیتی عاقبت‌اندیش، تمدن اسلامی در برابر چالش‌های معاصر - مانند بحران هویت، گسست نسلی، سلطه فناوری‌های بی‌ارزش و نفوذ الگوهای مصرف‌گرای غربی - آسیب‌پذیر و شکننده خواهد بود. از این رو، پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر پایه‌ی بازخوانی آیات قرآن و روایات معتبر اهل بیت (علیهم‌السلام)، در پی تبیین و استخراج «الگوی پنج‌گانه تربیت عاقبت‌اندیش» است که شامل: تربیت دانش‌محور، تربیت مهارت‌محور، تربیت اقتصادی عاقبت‌اندیش، تربیت الگو‌محور و تربیت وصیت‌محور می‌شود. هر یک از این مولفه‌ها، با اتکا بر نصوص و حیانی و شواهد تاریخی (مانند نقش مکاتب اولیه اسلام در پرورش نخبگان علمی یا سیاست‌های اقتصادی امام علی (ع))، نشان می‌دهد که تربیت نه صرفاً فرآیندی آموزشی، بلکه راهبردی تمدن‌ساز است.

این پژوهش می‌کوشد به پرسش محوری «چگونه تربیت می‌تواند تمدن بسازد؟» پاسخی مستند و نظری ارائه دهد و الگویی مفهومی-کاربردی عرضه کند که نه تنها برای جوامع اسلامی، بلکه در گفتمان جهانی آموزش و آینده‌پژوهی (یونسکو، ۲۰۲۱م؛ عنایت‌الله، ۲۰۱۷م) نیز قابل بهره‌برداری باشد.

۱ - از منظر قرآن و سنت، پیدایش و استمرار تمدن حاصل تداوم و بازتولید الگوهای فرهنگی، اخلاقی و معرفتی در طول نسل‌ها است. قرآن کریم از «سُنَن» به‌عنوان الگوهای پایدار تاریخی یاد می‌کند و تصریح می‌نماید که تاریخ امت‌ها قانون‌مند و تکرارپذیر است: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَاسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل‌عمران: ۱۳۷). همچنین اقوام گذشته را «سَلَف» و «مَثَل» برای آیندگان معرفی می‌کند، بدین معنا که رفتارها و فرهنگ‌های آنان، نمونه‌ای قابل اقتباس و تکرار در نسل‌های بعد است: «فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ» (زخرف: ۵۶). وعده الهی درباره تثبیت جامعه مؤمن، نشان می‌دهد که استقرار تمدن دینی بر استمرار ارزش‌ها و هنجارهای ایمانی در نسل‌ها وابسته است: «... وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ...» (نور: ۵۵). بخش مهمی از این تداوم، در نهاد خانواده و انتقال نسلی حکمت و اخلاق جلوه می‌کند؛ چنان‌که گفت‌وگوهای لقمان با فرزندش (لقمان: ۱۳-۱۹) نمونه‌ای ساختاری از انتقال فرهنگی و اخلاقی است. در سنت نبوی نیز «تداوم الگوها» به‌عنوان سازوکار تمدن‌سازی تبیین شده است؛ پیامبر (ص) می‌فرماید: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ كَانَ لَهُ أَجْرُهُ وَمِثْلُ أُجُورِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا...» (محمّدی ری شهری و همکاران، ۱۴۲۹ ق، ج ۲، ص ۵۰۹) این روایت نشان می‌دهد که رفتارها و ارزش‌های انسانی، با تبدیل شدن به «سنت»، در نسل‌های آینده بازتولید می‌شوند. همچنین امیرالمؤمنین (ع) در بیان نقش نسل‌ها در تمدن‌سازی می‌فرماید: «قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ، مَا أَلْقِيَ فِيهَا قَبْلَتُهُ» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)، که بر قابلیت نسل جدید برای پذیرش و ادامه‌دادن الگوهای فرهنگی پیشینیان تأکید می‌کند. بنابراین، مجموعه آیات و روایات گواه آن است که تمدن نه محصول یک دوره کوتاه، بلکه نتیجه تداوم بین‌نسلی ارزش‌ها، آداب، دانایی و اخلاق است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تربیت و آینده‌نگری نشان می‌دهد که این موضوع همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است؛ از یک سو، مطالعاتی چون «تعلیم و تربیت آینده با توجه به اسناد بالادستی» (۱۳۹۷) یا «مبانی و اصول تعلیم و تربیت با رویکرد آینده‌پژوهی» (۱۴۰۱) عمدتاً در چارچوب سیاست‌گذاری آموزشی و مدیریت سیستم‌های رسمی توقف کرده‌اند و پیوند کافی با متون وحیانی و تحلیل تمدنی مفاهیمی چون «عاقبت‌اندیشی»، «تدبیر» و «وصیت» را ندارند. این امر باعث شده یافته‌های آن‌ها در سطح کارکردهای سازمانی باقی بماند و به سطح تربیت تمدن‌ساز نرسد.

در همین راستا، مقاله «آموزش و پرورش آینده‌نگر: اهداف و راهکارها» (۱۳۸۴) گامی مهم در توسعه گفتمان آینده‌نگری آموزشی به شمار می‌آید. این مقاله با تبیین سه رویکرد آینده‌نگری (تحلیلی، نظری و مشارکتی) نشان می‌دهد که آموزش و پرورش آینده‌نگر مستلزم عبور از الگوهای خطی و حرکت به سوی نظامی انعطاف‌پذیر و متناسب با تحولات جهانی است. همچنین با شناسایی روندهای کلیدی قرن بیست و یکم، اهداف و راهکارهایی برای تطبیق نظام آموزشی ارائه می‌کند، هرچند تمرکز آن بیشتر بر الزامات نهادی و جهانی است و کمتر به ظرفیت‌های تمدنی و دینی، به‌ویژه در سنت اسلامی، می‌پردازد.

از سوی دیگر، در حوزه علوم قرآن و حدیث، پژوهش‌هایی مانند «والدین هوشیار و تربیت آینده‌گرا» (۱۴۰۳)، «مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث» (۱۳۹۰) و عرسان کیلانی (۱۳۹۴) در کتابی با عنوان «درآمدی بر فلسفه تربیت اسلامی با رویکرد تطبیقی» به صورت گذرا به مفاهیم آینده‌نگری اشاره کرده‌اند، اما تمرکز آن‌ها بیشتر بر ابعاد روان‌شناختی یا اخلاقی فردی بوده و تحلیل سیستماتیک از ظرفیت‌های تمدن‌ساز متون دینی در این زمینه ارائه نشده است. همچنین، استفاده از واژه «آینده‌نگری» بدون تبیین اینکه چگونه با مفاهیم وحیانی مانند «عاقبت‌اندیشی» (حشر: ۱۸) یا «حزم» (غُرر الحِکْم) هم‌خوانی دارد، باعث شده این پژوهش‌ها در گفتمان دینی باقی بمانند و با گفتمان جهانی آینده‌پژوهی پیوند نخورند.

مقاله «مفاهیم آینده‌نگر در اسلام و آثار تربیتی آن‌ها» (۱۳۸۶) تلاشی قابل توجه در جهت پر کردن بخشی از این خلأ محسوب می‌شود. این پژوهش با تحلیل مفاهیم آینده‌نگر در آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد که آینده‌نگری در اسلام نگرشی وجودی و اخلاقی است که بر رفتار فردی و اجتماعی اثر می‌گذارد و موجب تقویت مسئولیت‌پذیری و معنابخشی به زندگی می‌شود. با وجود تأکید بر ضرورت ورود این مفاهیم به نظام آموزشی، تمرکز پژوهش بیشتر بر تبیین مفهومی است و به ارائه الگویی عملیاتی تمدن‌محور و تبیین نسبت آینده‌نگری با تمدن‌سازی به صورت نظام‌مند نمی‌پردازد.

در حوزه آینده‌پژوهی، پژوهشگرانی چون اکبرنژاد و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل نقش آینده‌نگری در پیشرفت سازمان با تفسیربرداری از سیره مدیریتی حضرت علی (ع)» و حمیدی‌زاده (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین نقش پیش‌بینی و آینده‌نگری در نظام مدیریت اسلامی»، آینده‌نگری را به عنوان اصلی راهبردی در مدیریت معرفی کرده‌اند. کارشکی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقش آینده‌نگری در انگیزش و عملکرد یادگیرنده؛ جستجوی ریشه‌های عملکرد و انگیزش در دورنمای آینده»، آینده‌نگری را به عنوان یک عامل شناختی-انگیزشی که نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش انگیزش درونی، خودتنظیمی، پشتکار و عملکرد یادگیرنده دارد و این متغیر از طریق تعیین اهداف بلندمدت و درک ابزاری تکالیف، به بهبود یادگیری عمیق و انگیزش پیشرفت منجر می‌شود، معرفی می‌کند. حسین‌زاده (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان «آینده‌نگری مثبت در نهج البلاغه» به بررسی دیدگاه امام علی (ع) پرداخته و نتیجه گرفته است که ایشان به آینده بشر خوش‌بین بوده و شتاب‌زدگی را مانعی برای تفکر صحیح می‌دانند. آفاپور و همکاران (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با

عنوان «آینده‌نگری؛ مبانی، ضرورت‌ها و روش‌شناسی‌ها» بر ضرورت آینده‌نگری به عنوان یک موضوع کلیدی در عصر حاضر و نقش آن در سیاست‌گذاری تأکید کرده‌اند. همچنین، خاک‌بازان و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تبیین سازه حزم (آینده‌نگری) بر اساس اندیشه اسلامی»، حزم را مهارتی شناختی دانسته‌اند که شامل توجه به پیامدهای آینده، اقدام آگاهانه و مشورت است. با این وجود، این مطالعات نیز عمدتاً در چارچوب سازمانی یا فردی تحلیل شده‌اند و پیوند آن‌ها با تمدن‌سازی به صورت صریح و مستند برقرار نشده است. در سطح بین‌المللی، گفتمان آینده‌پژوهی تربیتی با چارچوب‌هایی مانند «شش ستون آینده‌اندیشی» (عنایت‌الله، ۲۰۱۷م) یا گزارش‌های (یونسکو، ۲۰۲۱م) درباره «آینده آموزش و مهارت‌های قرن بیست‌ویکم» پیشرفت چشمگیری داشته است. این گزارش‌ها تأکید می‌کنند که جوامعی که در تربیت نسل جوان خود از الگوهای فرهنگی-معنوی پایدار استفاده می‌کنند، در برابر بحران‌های هویتی و گسست نسلی مقاومت بیشتری از خود نشان می‌دهند. این یافته، اهمیت تربیت و وصیت‌محور و الگومحور در منظومه اسلامی را به عنوان راهکاری کاربردی و معاصر تأیید می‌کند. با این حال، این گفتمان‌ها به ندرت با منابع دینی گفت‌وگو کرده‌اند و اغلب از چارچوب‌های سکولار پیروی می‌کنند. در مقابل، مفهوم «عاقبت‌اندیشی» در سنت اسلامی، فراتر از یک مهارت فردی، به عنوان هوش استراتژیک تمدنی شناخته شده است. این مفهوم، با ریشه در آیه «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ» (حشر: ۱۸) و روایاتی چون «أَعْقَلُ النَّاسِ أَنْظَرُهُمْ فِي الْعَوَاقِبِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۲)، نشان‌دهنده‌ی نگاهی مسئولانه، بلندمدت و تمدنی به تربیت است که هدف آن، پرورش نسلی است که نه تنها در برابر سرنوشت خود، بلکه در قبال آینده امت اسلامی پاسخگو باشد.

با وجود این غنای مفهومی، رویکرد «تربیت عاقبت‌اندیش به مثابه مأموریتی تمدن‌ساز» - یعنی طراحی راهبردهای پرورشی با هدف شکل‌دهی به جامعه‌ای عادلانه، توحیدمحور و دانش‌آفرین - همچنان جای خالی جدی در ادبیات علمی دارد. این خلأ، ریشه در دو جریان جداگانه دارد: کمبود پژوهش‌هایی که مفاهیم و حیانی را با چارچوب‌های معاصر آینده‌پژوهی گفت‌وگو دهند و عدم پاسخ صریح به این پرسش بنیادین که «آیا تربیت می‌تواند تمدن بسازد؟» و اگر پاسخ مثبت است، چگونه این فرآیند از طریق الگوهای قرآنی-روایی عملیاتی می‌شود.

پژوهش حاضر با ترکیب روش توصیفی-تحلیلی و بازخوانی مفاهیم کلیدی قرآن و حدیث، در پی پر کردن این خلأ است. هدف آن، ارائه‌ی الگویی مفهومی-کاربردی از تربیت عاقبت‌اندیش است که: از یک سو، ریشه در نصوص و حیانی داشته باشد، از سوی دیگر، با چالش‌های معاصر (مانند بحران هویت، فناوری و گسست نسلی) در تعامل باشد، و در نهایت، قابلیت تمدن‌سازی را به صورت صریح، مستند و با شواهد تاریخی (مانند نقش مکاتب اولیه اسلام در پرورش نخبگان یا سیاست‌های معیشتی امام علی (ع)) اثبات کند.

مفاهیم کلیدی

در منظومه فکری اسلام، سه مفهوم بنیادین «تمدن»، «تربیت» و «عاقبت‌اندیشی» جایگاهی کلیدی در تبیین هویت و ساختار جامعه اسلامی دارند. این مفاهیم، نه تنها در سطح فردی، بلکه در ابعاد اجتماعی، تاریخی و فرهنگی، نقشه‌ی کلی حیات امت اسلامی را ترسیم می‌کنند. در گفتمان اسلامی، این مفاهیم فراتر از معانی رایج در علوم انسانی معاصر هستند؛ زیرا واجد بُعدی وجودی، ایمانی و راهبردی اند. که تنها در پرتو قرآن و سنت می‌توان معنا و کارکرد حقیقی آن‌ها را دریافت. از این رو، بازتعریف این مفاهیم در چارچوب و حیانی اسلام، گامی ضروری برای فهم سازوکار شکل‌گیری تمدن اسلامی به شمار می‌آید.

۴-۱- تمدن: در ادبیات معاصر، واژه «تمدن»^۱ اغلب به پدیده‌هایی چون شهرنشینی، پیشرفت مادی یا توسعه فناوری تقلیل یافته است. (عمید، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۳۰). با این حال، در اندیشه‌ی اسلامی - به‌ویژه با رویکرد تمدن‌شناختی قرآن و سنت - تمدن مفهومی بسیار ژرف‌تر دارد. در این منظر، تمدن نتیجه‌ی تداوم الگوهای فرهنگی، اخلاقی و معرفتی در طول نسل‌هاست؛ فرآیندی که از رهگذر تربیت عاقبت‌اندیش نهادینه و پایدار می‌شود. بر همین اساس، تمدن اسلامی نه بر پایه‌ی تراکم جمعیت یا گسترش کالبد شهرها، بلکه بر مبنای پایداری هویت توحیدی، عدالت اجتماعی و تربیت انسان مسئول و آگاه استوار است.

از دیدگاه لغوی، واژه «مدن» در زبان عربی به معنای «اقامت کردن» و «استقرار یافتن» آمده است (ولایتی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۳). و واژه‌ی «حضره» در برابر «بداوت» قرار دارد. (سپهری، ۱۳۸۵، صص ۳۰-۲۷). این دوگانگی ظاهراً به تفاوت جغرافیایی میان زندگی شهری و بدوی اشاره دارد، اما در عمق، بیانگر تحولی فرهنگی است: گذار انسان از زیست فردی و واکنشی به زیست اجتماعی، مسئولانه و مبتنی بر نظم و برنامه. همین معنا در قرآن کریم نیز با مفاهیمی همچون «عمران» و «استعمار» مطرح شده است؛ واژه‌هایی که همواره با «تقوای الهی» و «عدالت اجتماعی» پیوند خورده‌اند، چنان‌که خداوند می‌فرماید:

«... هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...» (هود: ۶۱).

از منظر اندیشمندان مسلمان، تعریف اسلامی تمدن در ژرف‌ترین سطح خود، با دیدگاه ابن‌خلدون هم‌سویی دارد. وی تمدن (حضارت) را نه صرفاً مرحله‌ای از زندگی شهری، بلکه نتیجه‌ی تعامل پویا میان «عَصَبِيَّة»، «دین» و «حکومت عادل» می‌داند و می‌گوید: «انسان دارای سرشت مدنی است، یعنی ناگزیر از تشکیل اجتماع است... و معنای عمران همین است» (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷۷).

بر پایه‌ی این دیدگاه، تمدن زمانی پایداری می‌یابد که نسل‌های پی‌درپی در پرتو نظام‌های تربیتی هدفمند، ارزش‌های بنیادین جامعه را درک کرده و به‌عنوان کنشگران فعال در ساخت آینده‌خویش ایفای نقش کنند. در این نقطه، نقش تربیت عاقبت‌اندیش آشکار می‌شود؛ تربیتی که نه تنها به نیازهای فردی پاسخ می‌دهد، بلکه مسئولیت تاریخی انتقال و استمرار تمدن را بر دوش دارد. از این رو، در منطق اسلام، تمدن نتیجه‌ی طبیعی فرایند تربیتی است که با نگاه عاقبت‌اندیشانه طراحی شده باشد. جامعه‌ای که در آن والدین، مربیان و رهبران، نسل جوان را برای ایفای نقش در آینده‌ی تمدنی آماده کنند، جامعه‌ای است که در برابر فروپاشی فرهنگی مصون می‌ماند و می‌تواند در صحنه‌ی تاریخ، نه به‌عنوان پیرو تمدن‌های دیگر، بلکه به‌عنوان خالق و پیش‌ران تمدنی نوین حضور یابد.

۴-۲- تربیت: از نظر لغوی، «تربیت» یا از ریشه «رَبَبَ» به معنای پرورش و سوق‌دادن پیوسته به سوی کمال است (راغب، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۹). یا از «رَبَا/رُبُو» به معنای زیادت و فزونی (فیومی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۱۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۳۶). در اصطلاح اسلامی، تربیت فرایند یاری‌رساندن آگاهانه برای ایجاد تغییر تدریجی در ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری به‌منظور شکوفایی استعدادها و اصلاح نواقص است (موسوی و اعرافی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۸). از این رو تربیت صرف «تعلیم» نیست؛ بلکه «پرورش» و رفع موانع رشد است (مطهری، ۱۳۸۹، صص ۱۶ و ۴۴؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵). قرآن کریم در آیه‌ای عمیق می‌فرماید:

«... أَلَمْ نُزَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا...» (شعراء: ۱۸).

وقتی که فرعون متوجه سخنان موسی و هارون می‌شود و سخنان آن دو را می‌شنود، موسی را می‌شناسد و لذا خطاب را متوجه او به تنهایی می‌کند و می‌گوید: «آیا تو نبودی که ما، در کودکی تو را تربیت کردیم» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۶۳)

۱. civilization

این آیه نشان می‌دهد که «تربیت» در ساختار قرآنی، فرآیندی فرهنگی و تمدنی است که فرد را در بستر جامعه و قدرت شکل می‌دهد. اما تربیت اسلامی، برخلاف تربیت‌های سلطه‌طلب، به دنبال شکل‌دهی به انسانی است که ضمن حفظ هویت توحیدی، قادر به نقد وضع موجود و ساخت آینده‌ای عادلانه باشد. دعای امام سجاد(ع) در این زمینه بسیار گویاست:

«اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي، وَ اَيْتَهُمَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي، وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صِغَرِي» (علی بن الحسین(ع)، ۱۳۷۶،

دعای ۲۴، ص ۱۱۶)

این دعا، والدین را به‌عنوان بنیان‌گذاران اولیه تمدن ایمانی معرفی می‌کند و تربیت را مأموریتی فراتر از خانواده می‌داند. از این منظر، تربیت در اسلام فرآیندی است که طی آن: استعدادها و فطری شکوفا می‌شود، مسئولیت‌پذیری تاریخی و اجتماعی آموخته می‌شود و فرد به‌عنوان عنصری فعال در ساخت تمدن اسلامی ظهور می‌یابد.

۳-۴- عاقبت‌اندیشی: در منظومه‌ی فکری و تمدنی اسلام، «عاقبت‌اندیشی» صرفاً به‌معنای پیش‌بینی رویدادهای آینده نیست، بلکه نوعی هوش استراتژیک تمدنی است که بر اساس آن، فرد و جامعه در هر تصمیم و کنش، پیامدهای بلندمدت آن را در ابعاد معنوی، اجتماعی و تاریخی مورد توجه قرار می‌دهند. این مفهوم در سنت قرآنی و روایی، با واژه‌هایی چون «حَزْم»، «تدبیر»، «رویه» و «نظر در عواقب» تبیین شده و به‌عنوان یکی از شاخصه‌های عقلانیت ایمانی و مسئولیت‌پذیری انسان مؤمن شناخته می‌شود. قرآن کریم در آیه‌ای بنیادین می‌فرماید:

«... وَ لَتَنْظُرُنَّ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ...» (حشر: ۱۸).

علامه طباطبایی (ره) ذیل این آیه می‌نویسد: «مؤمنین را وادار می‌کند که به یاد خدای سبحان باشند، و او را فراموش نکنند، و مراقب اعمال خود باشند، که چه می‌کنند، صالح آنها کدام، و طالحش کدام است، چون سعادت زندگی آخرتشان به اعمالشان بستگی دارد. و مراقب باشند که جز اعمال صالح انجام ندهند، و صالح را هم خالص برای رضای خدا به جای آورند، و این مراقبت را استمرار دهند، و همواره از نفس خود حساب بکشند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۳۷۳).

این آیه، نوعی نگاه فراتر از زمان حال را بر انسان تحمیل می‌کند و او را در برابر «غَد» - یعنی آینده فردی، خانوادگی و جمعی - مسئول می‌داند. این «غَد» به معنای نسل‌های آینده و سرنوشت امت اسلامی است؛ آینده‌ای که کیفیت آن وابسته به تصمیمات و تربیت‌های امروز ماست.

در منابع روایی نیز، این نگرش عمیق به روشنی تبیین شده است. امام علی(ع) می‌فرماید:

«أَعْقَلُ النَّاسِ أَنْظَرُهُمْ فِي الْعَوَاقِبِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۲)

و در جای دیگر می‌فرماید:

«التَّوْبَةُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۸)

این دو بیان، به روشنی سه مرحله از فرآیند عاقبت‌اندیشی تمدنی را آشکار می‌سازند: نخست، تأمل سنجیده و رویه‌مند در وضعیت موجود؛ دوم، تصویرسازی از پیامدها در سطوح مختلف فردی و اجتماعی؛ و سوم، تصمیم‌گیری مسئولانه بر اساس معیارهای الهی و ارزش‌های جاودانه.

در مقایسه با «آینده‌نگری»^۱ در گفتمان مدرن - که غالباً رویکردی ابزاری، تکنوکراتیک و کوتاه مدت دارد - «عاقبت‌اندیشی» در جهان بینی اسلامی، مفهومی وجودی، ایمانی و تمدنی است. در این نگاه، انسان نه صرفاً برنامه ریز آینده، بلکه طراح تاریخ است؛ زیرا عاقبت‌اندیشی، تربیت را از سطح واکنش‌گرایی و انفعال، به سطح طراحی آینده‌ای مطلوب و معنادار ارتقا می‌دهد. بدین ترتیب انسان مؤمن در منطق اسلام، بازیگری آگاه در صحنه‌ی تاریخ است که میان «اکنون» و «آینده» پیوندی اخلاقی و الهی برقرار می‌کند.

در منطق تمدنی اسلام، سه مفهوم عاقبت‌اندیشی، تربیت و تمدن، همچون زنجیره‌ای به هم پیوسته چرخه‌ شکل‌گیری تمدن را می‌سازند: عاقبت‌اندیشی، «هوش راهبردی تمدن» است که جهت‌گیری کلان را تعیین می‌کند؛ تربیت، «بستر تولید انسان تمدنی» است که توان تحقق این جهت‌گیری را دارد؛ و تمدن، ثمره‌ تحقق یافته‌ی این دو فرآیند است: جامعه‌ای که در آن، انسان‌های تربیت یافته، با نگاهی عاقبت‌اندیش، بنیان‌های فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی پایدار را بنا می‌نهند.

بدین سان، تربیت بدون عاقبت‌اندیشی، به سطحی واکنشی و کوتاه‌نگر فروکاسته می‌شود، و عاقبت‌اندیشی بدون تربیت به رؤیایی انتزاعی و غیر قابل تحقق بدل می‌گردد. تنها در هم‌افزایی این دو، تمدن اسلامی به عنوان نظامی زنده، پویا و پایدار شکل می‌گیرد و استمرار می‌یابد. از این منظر، پاسخ به پرسش بنیادین «آیا تربیت می‌تواند تمدن بسازد؟» روشن است: آری، تربیت زمانی می‌تواند تمدن ساز باشد که در افق عاقبت‌اندیشی طراحی شود و هدف آن، پرورش انسان‌هایی باشد که خود سازندگان آینده‌ی تمدن اسلامی اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف تبیین و استخراج «الگوی پنج‌گانه تربیت عاقبت‌اندیش در تمدن اسلامی» طراحی شده و از روش توصیفی - تحلیلی بهره می‌گیرد. این روش، با تلفیق بازخوانی مفهومی متون وحیانی و تحلیل نظام‌مند محتوای آن‌ها، امکان شناسایی و استنباط ساختارهای تربیتی نهفته در قرآن کریم و روایات اهل‌بیت (ع) را فراهم می‌سازد. در این چارچوب، هدف اصلی پژوهش، صرفاً گردآوری آیات و احادیث نیست، بلکه کشف چگونگی تحقق تمدن‌سازی از مسیر تربیت عاقبت‌اندیش است؛ یعنی پاسخ به این پرسش بنیادین که: «آیا تربیت می‌تواند تمدن بسازد؟» و اگر پاسخ مثبت است، چه سازوکارهایی در منابع دینی برای تحقق این هدف پیش‌بینی شده‌اند. گردآوری داده‌ها بر پایه‌ی تحلیل محتوای کیفی متون اصلی قرآن کریم و روایات معتبر اهل‌بیت (ع) انجام شده است. در این فرآیند، مفاهیم کلیدی مرتبط با محورهای پژوهش مانند «عاقبت‌اندیشی»، «تربیت»، «تدبیر»، «وصیت»، «الگو»، «دانش»، «مهارت» و «اقتصاد اسلامی» در بافت آیات و روایات شناسایی و استخراج گردیده‌اند. در انتخاب منابع، چهار معیار اساسی مورد توجه بوده است: مرتبط بودن موضوعی،^۲ اعتبارسنجی روایات،^۳ سیاق محوری،^۴ کارکرد تمدنی.^۵

پس از استخراج داده‌ها، یافته‌ها با رویکردی نظام مند و تمدن محور، در قالب پنج محور اصلی سازمان‌دهی شد: تربیت دانش محور، تربیت مهارت محور، تربیت اقتصادی عاقبت‌اندیش، تربیت الگو محور، و تربیت وصیت محور.

۱ - «آینده‌نگری» در گفتمان مدرن به مثابه فرآیندی نظام‌مند برای رصد روندها، پیش‌بینی پیامدها و طراحی تصمیم‌های راهبردی تعریف می‌شود. (بیرو، ۱۳۶۷، ص ۳۰۹؛ آفاپور و پهلوان، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷؛ صادقی، ۱۳۹۳، ص ۳).

۲ - تنها آیات و روایاتی انتخاب شده‌اند که مستقیماً به مفاهیم «عاقبت‌اندیشی»، «پرورش نسل»، «مسئولیت تاریخی»، «انتقال فرهنگی» و «آمادگی برای آینده» مرتبط باشند.

۳ - روایات صرفاً از منابع معتبر شیعه (کتب اربعه، بحارالانوار، نهج‌البلاغه، غرر الحکم و المحاسن) استخراج شده‌اند. در مواردی که سند روایت ضعیف بود، از آن صرف‌نظر گردید یا با ذکر وضعیت سندی، به‌عنوان شاهد تکمیلی به‌کار گرفته شد.

۴ - تفسیر آیات و روایات بر اساس سیاق داخلی (سیاق آیه یا حدیث) و سیاق خارجی (زمینه تاریخی، فرهنگی و تمدنی) انجام شده است تا از تفسیرهای کلمه‌ای یا خارج از بستر جلوگیری شود.

۵ - ترجیح بر آن بود که آیات و روایاتی انتخاب شوند که نه تنها حکم فردی داشته باشند، بلکه پیوندی آشکار با سیاست‌های تمدنی، ساختارهای اجتماعی یا برنامه‌ریزی بلندمدت جامعه اسلامی داشته باشند.

هر یک از این محورها، با استناد به شواهد قرآنی-روایی و نمونه‌های تاریخی نظیر نقش مکاتب نخستین اسلام در پرورش نخبگان، سیاست‌های معیشتی امام علی(ع) و وصایای فرهنگی اهل بیت(ع) تحلیل و تبیین گردید تا از کلی‌گویی پرهیز شود و جنبه عینی و کاربردی مدل پیشنهادی آشکار گردد. به منظور پیوند دادن مدل استخراج‌شده با گفتمان جهانی تربیت و آینده پژوهی، از چارچوب‌های نظری معاصر همچون: «شش ستون آینده‌اندیشی» (عنایت اله، ۲۰۱۷م) و گزارش‌های (یونسکو، ۲۰۲۱م) درباره «آینده آموزش و مهارت‌های قرن بیست‌ویکم» به عنوان چارچوب مقایسه‌ای استفاده شده است. این تطبیق نشان می‌دهد که مفهوم «عاقبت‌اندیشی» در منطق اسلامی، معادل دینی «آینده‌نگری تمدنی» است؛ مفهومی که برخلاف آینده‌نگری سکولار، نه صرفاً ابزاری شناختی، بلکه رویکردی وجودی، ایمانی و راهبردی در تربیت انسانی به شمار می‌آید.

در نتیجه، روش‌شناسی این پژوهش ضمن حفظ اتقان علمی، زمینه را برای کاربردی‌سازی یافته‌ها در حوزه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی، برنامه‌ریزی آموزشی و تربیت خانوادگی فراهم می‌سازد و مدلی مفهومی ارائه می‌دهد که هم در بستر جامعه دینی و هم در چارچوب گفت و گوی علمی جهانی قابلیت تفسیر و استناد دارد.

۵- الگوی پنج‌گانه تربیت عاقبت‌اندیش

در منظومه فرهنگی و تمدنی اسلام، تربیت فرزندان فراتر از یک فرایند آموزشی یا اصلاح رفتاری است؛ بلکه سیاستی راهبردی برای تولید انسانی تمدنی محسوب می‌شود، انسانی که نه تنها با مقتضیات زمانه خود آشناست، بلکه در برابر آینده‌ی جامعه و امت، عاقبت‌اندیش، مسئول و مؤثر باشد. در این چارچوب، «تربیت عاقبت‌اندیش» به معنای طراحی آگاهانه‌ی فرایندهای پرورشی است که در آن، هر تصمیم تربیتی با تأمل در پیامدهای بلندمدت آن برای هویت فرهنگی، ثبات اجتماعی و جهت‌گیری‌های تمدنی نسل‌های آینده صورت می‌گیرد. بررسی آموزه‌های قرآن کریم و سنت پاک اهل بیت(ع) نشان می‌دهد که اسلام، پنج شیوه‌ی کلیدی را برای تحقق این هدف تمدنی ارائه می‌دهد. این پنج‌گانه، نه صرفاً روش‌هایی برای پرورش فردی، بلکه سازوکارهایی نظام‌مند برای نهادینه‌سازی هوش تمدنی در جامعه اسلامی هستند. هر یک از این ارکان، با استناد به نصوص وحیانی و همراهی با شواهد تاریخی، نشان می‌دهد که چگونه تربیت می‌تواند به‌عنوان موتور محرکه‌ی تمدن عمل کند.

شیوه تربیتی	توضیح اجمالی	هدف تمدنی
دانش‌محوری	تأکید بر فراگیری علم، تفکر انتقادی و سواد تحلیلی با هدف آماده‌سازی نسل جوان برای تحولات آینده و نقش‌آفرینی در عرصه‌های علمی و فرهنگی	تولید انسان دانا، بصیر و دانش‌آفرین؛ بازگشت به نقش پیشروی تمدن اسلامی در تاریخ
مهارت‌محوری	پرورش توانمندی‌های شناختی، اجتماعی، مدیریتی و حل مسئله در بافت تحولات اجتماعی و فناورانه	ارتقاء خودکفایی و تاب‌آوری تمدنی؛ تربیت نسلی که در برابر بحران‌ها مقاوم و در برابر فرصت‌ها خلاق باشد.
اقتصاد عاقبت‌اندیش	آموزش سواد مالی، قناعت، تدبیر معیشت و مدیریت منابع در چارچوب تقوای الهی و عدالت اجتماعی	شکل‌دهی به اقتصاد عادلانه و مقاوم؛ جلوگیری از وابستگی فرهنگی و اقتصادی به خارج
الگو‌محوری	تربیت از طریق اسوه‌های قرآنی و نبوی (مانند پیامبر(ص)، اهل بیت(ع)، لقمان حکیم و دیگر شخصیت‌های تمدنی) با هدف الگوگیری در رفتار، اخلاق و سبک زندگی	تقویت هویت دینی، اخلاقی و تمدنی؛ مقاومت در برابر الگوهای مصرف‌گرای غربی و بحران‌های هویتی
وصیت‌محوری	انتقال میراث فکری، معنوی و ارزشی نسل گذشته به نسل آینده در قالب وصایای فرهنگی، اخلاقی و تمدنی (مانند وصیت ابراهیم(ع) به فرزندان یا نامه‌های امام علی(ع) به امام حسن(ع))	استمرار فرهنگی و پایداری هویتی؛ جلوگیری از گسست نسلی و حفظ زنجیره‌ی تمدن اسلامی

جدول (۱): الگوی پنج‌گانه تربیت عاقبت‌اندیش در چارچوب تمدن اسلامی

۱- الگوی پنج‌گانه تربیت عاقبت‌اندیش از حیث نظری واجد جامعیت و مانعیت است؛ بدین معنا که تمامی ساحت‌های اساسی تربیت انسان تمدنی را در افق آینده‌نگر پوشش می‌دهد و در عین حال، از تداخل و تقلیل مفهومی جلوگیری می‌کند. دانش‌محوری، مهارت‌محوری، تربیت اقتصادی، الگو‌محوری و وصیت‌محوری به ترتیب ابعاد معرفتی، کنشی، معیشتی، هویتی و تاریخی تربیت را سامان می‌دهند و در کنار یکدیگر تصویری یکپارچه از تربیت تمدن‌ساز ارائه می‌کنند. تمایز کارکردی هر رکن، مانع از فروکاست تربیت به سطحی آموزشی، اخلاقی یا نهادی می‌شود. از این‌رو، این الگو قابلیت منسجم برای تبیین و طراحی سیاست‌های تربیتی در سطوح فردی، اجتماعی و تمدنی دارد.

این پنج‌گانه، به‌عنوان ارکان تربیت عاقبت‌اندیش، در ادامه مقاله به‌تفصیل تحلیل می‌شوند. آنچه این شیوه‌ها را از روش‌های تربیتی رایج متمایز می‌سازد، اتصال آن‌ها به اهداف بلندمدت تمدنی، پشتوانه‌ی نصوص دینی، و نگاه راهبردی به زمان است. به‌عبارت دیگر، هر یک از این شیوه‌ها نه تنها نیازهای فوری تربیت را پاسخ می‌دهد، بلکه فرد را برای ایفای نقش مؤثر در آینده‌ی جامعه اسلامی آماده می‌سازد. از این منظر، تربیت عاقبت‌اندیش، یک برنامه‌ی کوتاه‌مدت آموزشی نیست، بلکه فرآیندی مستمر، عمیق و فرهنگ‌ساز است که بنیان تمدن اسلامی نوین را بر اساس سه رکن اصلی شکل می‌دهد: عقلانیت تمدنی (با دانش محوری و مهارت محوری)، عدالت اقتصادی و اجتماعی (با تربیت اقتصادی عاقبت‌اندیش) و هویت فرهنگی و ایمانی (با تربیت الگو محور و وصیت محور).

این سه رکن، در تاریخ تمدن اسلامی، نیز همواره همراه بوده‌اند: از مکاتب اولیه اسلام که همزمان علم، اخلاق و معیشت را آموزش می‌دادند، تا سیاست‌های معیشتی امام علی (ع) در خلافت که عدالت اقتصادی را با تربیت مسئولیت‌پذیری تلفیق می‌کرد. این هم‌افزایی، نشان می‌دهد که تربیت عاقبت‌اندیش، تنها راه پایداری و شکوفایی تمدن اسلامی است.

در ادامه، به بررسی تفصیلی هر یک از این پنج شیوه، با استناد به آیات قرآن و روایات معتبر اهل بیت (ع)، و همراهی با نمونه‌های تاریخی و کاربردی در برابر چالش‌های معاصر (از جمله بحران‌های هویتی، گسست نسلی و سلطه فناوری‌های بی‌ارزش) خواهیم پرداخت تا تصویر روشنی از ظرفیت تمدن‌سازی نظام تربیتی اسلام ارائه گردد.

۱-۵- تربیت دانش محور: در چشم‌انداز تمدن اسلامی، علم و دانش صرفاً ابزاری برای رشد فردی یا پیشرفت مادی نیست، بلکه نیروی محرکه‌ای تمدنی است که به واسطه آن، جامعه اسلامی می‌تواند در مسیر کمال انسانی، عدالت اجتماعی و هدایت فرهنگی گام بردارد. از همین رو، تربیت دانش محور در منظومه تربیتی اسلام، فراتر از انتقال داده‌ها یا مهارت‌های سطحی است؛ این تربیت ناظر به پرورش نسلی است که تفکر علمی، تحلیل انتقادی، بینش تمدنی و روحیه مسئولیت‌پذیری ایمانی را توأمان در خود داشته باشد. در قرآن کریم، علم و ایمان به‌عنوان دو مؤلفه بنیادین رشد تمدنی در کنار یکدیگر مطرح شده‌اند. خداوند می‌فرماید:

«... يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله: ۱۱)

در تفسیر این آیه آمده است: «گرچه در مورد خاصی نازل شده، ولی با این حال مفهوم عامی دارد و نشان می‌دهد آنچه مقام آدمی را نزد خدا بالا می‌برد، دو چیز است: ایمان، علم» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۴۴۲)

بنابراین این آیه نه تنها گویای منزلت علمی در افق ایمانی است، بلکه نشان می‌دهد که درجات علمی، مراتب تمدنی نیز به‌شمار می‌روند؛ چرا که رشد علمی جامعه، هم‌پایه با رشد اخلاقی و معرفتی آن، ستون‌های فکری تمدن اسلامی را شکل می‌دهد.

در روایات، این نگاه تمدنی به علم، به‌صورت صریح و راهبردی بیان شده است. امیرالمؤمنین علی (ع) در جمله‌ای بنیادین، به رابطه مستقیم میان تربیت علمی در کودکی و رهبری تمدنی در آینده اشاره می‌فرماید:

«تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ صِغَارًا تَسُوْدُوا بِهِ كِبَارًا...» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۲۶۷)

این حدیث، اصلی استراتژیک را در تربیت اسلامی آشکار می‌سازد: سرمایه‌گذاری زودهنگام در تربیت علمی، اساس پیشوایی و مرجعیت تمدنی آینده است. جامعه‌ای که در کودکی نسل خود را به دانش‌آموزی و اندیشه‌ورزی سوق دهد، در بزرگی به رهبری علمی آن‌ها تکیه خواهد زد همان‌گونه که در قرون اولیه اسلام، مکاتب و دارالحکمه، نخبگانی چون خوارزمی، ابن سینا و فارابی را پرورش دادند که نه تنها تمدن اسلامی، بلکه جهان را تحت تأثیر قرار دادند.

از دیگر اصول تربیت دانش‌محور، تأکید بر آموزش دانش‌ها و مهارت‌هایی است که نسل جوان در آینده به آن‌ها نیازمند خواهد بود. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید:

«أَوْلَى الْأَشْيَاءِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا الْأَحْدَاثُ الْأَشْيَاءُ الَّتِي إِذَا صَارُوا رِجَالاً أَحْتَاَجُوا إِلَيْهَا» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۳۳)

این روایت، تربیت علمی را از حالت واکنش‌گرایانه خارج کرده و آن را در چارچوب عاقبت‌اندیشی تمدنی قرار می‌دهد. در عصر کنونی، این به معنای آموزش تفکر انتقادی، سواد رسانه‌ای، درک فناوری‌های نوین، و توان تحلیل اطلاعات است مهارت‌هایی که در برابر سیل اطلاعات، تبلیغات فرهنگی و جنگ نرم، انسان را از سرگردانی هویتی نجات می‌دهد.

امام حسن مجتبی (ع) نیز در وصیتی فرهنگی، ثبت و نگهداری دانش را به‌عنوان وظیفه‌ای تمدنی بیان می‌کنند:

«فَمَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يَحْفَظَهُ وَلِيَضَعَهُ فِي بَيْتِهِ» (شهید ثانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۴۰)

در این بیان، نوشتن و نگهداری دانش، صرفاً کاری شخصی نیست، بلکه وسیله‌ای برای استمرار حافظه تمدنی است. انتقال نظام‌مند دانش از نسلی به نسل دیگر، موجب ثبات فکری، هویت‌یابی فرهنگی و پیشرفت تمدنی مستمر خواهد شد. همچنین، امام صادق (ع) با بیان: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ...» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۸۷) بر آگاهی از زمانه به‌عنوان سدی در برابر انحرافات فکری تأکید می‌کنند. این حدیث، ناظر به سواد فرهنگی و رسانه‌ای است و نشان می‌دهد که تربیت دانش‌محور در اسلام، باید فرد را قادر سازد تا در دنیای پیچیده امروز، تفکیک حق از باطل، هویت از تقلید، و تمدن از مصرف‌گرایی را بداند.

اصل تربیتی	منبع قرآنی/روایی	کارکرد تمدنی
آموزش زود هنگام و بنیادین علم	«تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ صِغَارًا تَسُوْدُوا بِهِ كِبَارًا...»	تربیت نخبگان فکری و پیشوایان فرهنگی آینده
طراحی آموزشی مبتنی بر نیازهای آینده	«أَوْلَى الْأَشْيَاءِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا الْأَحْدَاثُ...»	انطباق آموزش با تحولات عصر و آماده‌سازی برای چالش‌ها
ثبت و انتقال دانش به نسل‌های بعد	«... فَلْيَكْتُبْهُ وَلِيَضَعَهُ فِي بَيْتِهِ»	حفظ حافظه‌ی تمدنی و تداوم فرهنگی
شناخت زمانه و مقاومت فکری	«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ...»	تربیت انسان آگاه، منتقد و مقاوم در برابر انحرافات
پیوند علم و ایمان	«... يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...»	هم‌افزایی ایمان دینی و عقلانیت علمی در ساخت تمدن

جدول (۲): ارکان تربیت دانش‌محور در افق تمدنی

بدین‌سان، تربیت دانش‌محور در اسلام، صرفاً به معنای تقویت ظرفیت‌های آموزشی نیست، بلکه طرحی جامع برای تولید انسانی مؤمن، دانا، منتقد و مسئول است؛ انسانی که هم از لحاظ دانشی در تراز تمدنی قرار دارد و هم از حیث اخلاقی و ایمانی، دارای بینش تمدن‌ساز است. این نوع تربیت، تنها راه مقابله با بحران‌های هویتی، گسست نسلی و سلطه فناوری‌های بی‌ارزش در عصر حاضر محسوب می‌شود و زمینه‌ساز بازگشت تمدن اسلامی به جایگاه رهبری فکری و فرهنگی جهان خواهد بود.

۲-۵- تربیت مهارت‌محور: در منظومه تربیتی اسلام، تربیت مهارت‌محور مفهومی ژرف‌تر از صرف یادگیری فنون یا توانایی‌های زیستی دارد، این نوع تربیت، هوشمندانه و عاقبت‌نگر است که به پرورش انسان توانمند برای کنشگری مؤثر در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و تمدنی می‌انجامد. در جهان معاصر که پیچیدگی و تغییر از ویژگی‌های بنیادین آن است، تربیت مهارت‌محور به‌عنوان یکی از ارکان شکل‌دهنده‌ی انسان تمدنی، جایگاهی راهبردی و تعیین‌کننده دارد. برخلاف الگوهای آموزشی سنتی که بر انتقال محفوظات و انباشت دانش تأکید دارند، تربیت مهارت‌محور در نگرش اسلامی، ماهیتی ارزش‌مدار، اخلاق‌محور و مسئولانه دارد. این نوع تربیت به

رشد توانایی‌هایی چون تفکر انتقادی، تصمیم‌گیری حکیمانه، خلاقیت، همکاری جمعی و مدیریت کارآمد منابع در چارچوب اخلاق توحیدی منجر می‌شود. قرآن کریم با ارائه الگوهای عینی و عملی، چارچوبی جامع از مهارت‌های بنیادین برای زیست جمعی و رهبری تمدنی ارائه می‌دهد.

در آیه‌ی «...وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ...» (آل عمران: ۱۵۹)، سه گام اساسی در فرآیند تصمیم‌گیری عاقلانه ترسیم شده است: مشورت (تقویت عقل جمعی)، عزم و قاطعیت (پذیرش مسئولیت)، و توکل (اعتماد به وعده الهی). این الگو، مدلی تمدنی از تصمیم‌سازی و اقدام آگاهانه را ارائه می‌دهد که نه تنها رهبران، بلکه تمام اعضای جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

چنان‌که علامه طباطبایی (ره) در زیر این آیه می‌نویسد: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» که به یک لحن عطف بر مسأله عفو و مغفرت شده، خود شاهد بر این است که این دو امر: یعنی "عفو" و "مغفرت" در چارچوب ولایت و تدبیر امور عامه بوده، چون اینگونه امور است که مشورت بر می‌دارد، و اما احکام الهی خیر، پس عفو و مغفرت هم در همان امور اداری جامعه است». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۸۷)

همچنین، آیه‌ی «... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى...» (مائده: ۲) مفهوم همکاری را از سطحی اجتماعی به مرتبه‌ای اخلاقی و الهی ارتقا می‌دهد این آیه مهارت‌هایی نظیر تقسیم عادلانه‌ی وظایف، هم‌افزایی، مدارا و پذیرش تفاوت‌ها را به عنوان ارکان تربیت تمدنی معرفی می‌کند و روح تعاون را بنیان پیشرفت جامعه اسلامی می‌داند.

در همین راستا، امیرالمؤمنین (ع) در فرمایش خود «التَّلَطُّفُ فِي الْحِيلَةِ أَجْدَى مِنَ الْوَسِيلَةِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۶۲) بر ضرورت ابتکار و چاره‌اندیشی مشروع تأکید کرده‌اند؛ مهارتی که اساس خلاقیت اقتصادی و حل مسئله در موقعیت‌های بحرانی است. همچنین در کلامی دیگر فرمودند: «الْقَلِيلُ مَعَ التَّدْبِيرِ أَتْقَى مِنَ الْكَثِيرِ مَعَ التَّبْذِيرِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۵۴) که بر اهمیت مدیریت منابع، صرفه‌جویی هوشمندانه و پایداری اقتصادی تأکید دارد.

از سوی دیگر، امام صادق (ع) در حدیثی بنیادین می‌فرماید: «لَا تَقْبَلُوا كُلَّ مَا يَأْتِيكُمْ، بَلِ انظُرُوا فِي أَمْرِكُمْ نَظَرَ النَّاطِرِ إِلَى مَصْلَحَتِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۱۲۳) این بیان به مهارت تفکر انتقادی و تحلیل آگاهانه‌ی محتوا اشاره دارد؛ مهارتی که در عصر رسانه و اطلاعات، به مثابه‌ی سپری معرفتی برای مقاومت فرهنگی و صیانت از هویت فکری جامعه اسلامی عمل می‌کند.

مهارت کلیدی	منبع قرآنی/روایی	کارکرد تمدنی
تصمیم‌گیری حکیمانه	«...وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ...»	تربیت مدیران مشورت‌گرا با اراده و متوکل
کار گروهی و تعاون	«... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى...»	تقویت انسجام اجتماعی و پروژه‌های مشارکتی
خلاقیت و تدبیر	«التَّلَطُّفُ فِي الْحِيلَةِ أَجْدَى مِنَ الْوَسِيلَةِ»	ایجاد ظرفیت ابتکار و حل مسئله در شرایط بحرانی
مدیریت منابع	«الْقَلِيلُ مَعَ التَّدْبِيرِ أَتْقَى مِنَ الْكَثِيرِ مَعَ التَّبْذِيرِ»	نهادینه‌سازی اقتصاد مقاوم و مصرف متعادل
تفکر انتقادی	«لَا تَقْبَلُوا كُلَّ مَا يَأْتِيكُمْ، بَلِ انظُرُوا فِي أَمْرِكُمْ...»	ارتقاء آگاهی، تحلیل پیام‌ها، مقاومت فرهنگی

جدول (۳): مهارت‌های کلیدی تربیت مهارت‌محور در افق تمدنی

تربیت مهارت‌محور در منظومه اسلامی، پیوندی عمیق با مفهوم «خلافت الهی» انسان دارد. در این الگو، انسان نه مقلدی منفعل، بلکه آفریننده‌ی معنا، تحلیل‌گر موقعیت‌ها و عامل تحول تمدنی است. چنین تربیتی، با تقویت ظرفیت‌های شناختی، اجتماعی، مدیریتی و فرهنگی، نسلی را پرورش می‌دهد که در برابر تحولات شتابان و چالش‌های جهانی، نه تنها مقاوم، بلکه نوآور، پیش‌برنده و اثرگذار خواهد بود. در شرایط کنونی که جامعه اسلامی با بحران‌هایی چون گسست نسلی، وابستگی فناورانه و زلزله هویتی مواجه است، تربیت مهارت‌محور اسلامی می‌تواند مسیر بازگشت به رهبری تمدنی و احیای هویت توحیدی امت را هموار سازد.

۳-۵- **تربیت اقتصادی عاقبت‌اندیش:** تربیت اقتصادی عاقبت‌اندیش در اسلام، فراتر از آموزش معیشت یا مهارت‌های مالی است و یکی از ارکان تمدن‌سازی در منظومه تربیتی اسلام محسوب می‌شود. این تربیت، فرآیندی هدفمند برای پرورش انسان متعادل و مسئول است که در جامعه‌ای عادل و مقاوم نقش‌آفرین باشد. محور آن، شکوفایی استعداد اقتصادی، تدبیر منابع، قناعت و جهت‌دهی فعالیت‌های اقتصادی در مسیر قرب الهی است (ایمانی، ۱۳۹۱، ص ۶۱). در قرآن کریم، دو نگرش متقابل اقتصادی تبیین شده است: نگرش شیطانی، مبتنی بر ترس از فقر و حرص، و نگرش الهی، متکی بر توکل، انفاق و اعتماد به فضل خدا:

«الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۸)

شیطان بشما وعده فقر و تهی دستی می‌دهد در انفاقات و شما را وادار میکند باعمال زشت و خداوند بشما وعده مغفرت از گناهان و تفضلات می‌دهد و حال آنکه رحمت و تفضلات او سعه دارد و نقصی در خزائن او وارد نمی‌کند و عالم باعمال و نیات و انفاقات شما است. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۵۰)

اما تربیت اقتصادی عاقبت‌اندیش، انسان را از اضطراب معیشتی رهانیده و روحیه اعتماد، سخاوت و مسئولیت‌پذیری را در او تقویت می‌کند. اصل تعادل میان دنیا و آخرت: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا...» (قصص: ۷۷)، اساس این نظام است؛ بدین معنا که بهره‌مندی از امکانات مادی باید در خدمت اهداف معنوی و اجتماعی قرار گیرد. این نگرش، میان دو افراط مصرف‌گرایی و زهد انزواگرا، راهی تمدنی و میانه می‌گشاید.

همان‌گونه علامه طباطبایی (ره) زیر این آیه می‌نویسد: «و در آنچه خدا به تو عطا کرده از مال دنیا، خانه آخرت را بطلب، و با آن آخرت خود را تعمیر کن، به اینکه آن مال را در راه خدا انفاق نموده، و در راه رضای او صرف کنی». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۱۱)

در آموزه‌های امیرالمؤمنین علی (ع)، «حسن تدبیر» عامل رشد سرمایه و «سوء تدبیر» موجب نابودی آن دانسته شده است: «حُسْنُ التَّدْبِيرِ يُنْمِي قَلِيلَ أَمْوَالٍ، وَ سُوءُ التَّدْبِيرِ يُفْنِي كَثِيرَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۵۴) این آموزه، عقلانیت اقتصادی و مدیریت هوشمند منابع را بنیان پایداری اقتصادی جامعه اسلامی معرفی می‌کند. همچنین، حدیث «التَّلَطُّفُ فِي الْحِيلَةِ أَجْدَى مِنَ الْوَسِيلَةِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ش، ص ۶۲) بر خلاقیت اقتصادی و نوآوری در مواجهه با محدودیت‌ها تأکید دارد. در کنار این‌ها، امام باقر (ع) «تقدیر معیشت» را همراه با دانش و صبر، از ارکان کمال انسانی برمی‌شمارد: «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ: التَّقْوَةُ فِي الدِّينِ، وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ، وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ» (شهید ثانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۷۶) و امام صادق (ع) مؤمن را کسی می‌داند که «... جَيْدُ التَّدْبِيرِ لِمَعِيشَتِهِ» (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، صص ۱۴۸-۱۴۹) است.

چنین نگرشی، اقتصاد را نه صرفاً عرصه‌ی تولید و مصرف، بلکه ساحتی اخلاقی و توحیدی می‌داند که در آن، انسان با توکل، تدبیر و قناعت، ضمن تأمین نیاز خویش، در پایداری اجتماعی و عدالت اقتصادی نقش‌آفرینی می‌کند.

مؤلفه تربیتی	مبنای قرآنی/روایی	کارکرد تمدنی
توکل و اعتماد به فضل الهی	«الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ...»	مقابله با ترس، حرص و اسراف؛ پرورش روحیه اعتماد و امنیت مالی
تعادل دنیا و آخرت در اقتصاد	«وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ...»	شکل‌دهی سبک زندگی متوازن، عقلانی و هدف‌مند
تدبیر و مدیریت منابع	«حُسْنُ التَّدْبِيرِ يُنْمِي قَلِيلَ أَمْوَالٍ...»	ایجاد عقلانیت اقتصادی و مقابله با اتلاف منابع
خلاقیت اقتصادی و ابتکار	«التَّلَطُّفُ فِي الْحِيلَةِ أَجْدَى مِنَ الْوَسِيلَةِ»	تربیت کارآفرینان خلاق و مقاوم در برابر محدودیت‌ها
تقدیر معیشت به‌مثابه کمال انسانی	«الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ: التَّقْوَةُ فِي الدِّينِ...»	پیوند بین معیشت، عقلانیت و رشد معنوی
سبک زندگی قناعت‌آمیز	«الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعْوَةِ...»	ساخت جامعه‌ای مستقل، عادل و مبتنی بر مشارکت

جدول (۴): ارکان تربیت اقتصاد محور در نگرش تمدنی اسلامی

تربیت اقتصادی عاقبت اندیش در اسلام، نه یک موضوع فرعی، بلکه زیرساختی تمدنی برای ساخت انسان متوازن و جامعه مقاوم است. این نوع تربیت، با تلفیق عقلانیت اقتصادی، اخلاق توحیدی و مسئولیت اجتماعی، به دنبال آن است که نسلی تربیت شود که نه اسیر فقر است، نه فریفته ثروت؛ بلکه با توکل، تدبیر و قناعت، هم خود را اداره می‌کند و هم در شکوفایی جامعه نقش آفرینی می‌نماید. در عصری که جامعه اسلامی با چالش‌هایی چون وابستگی اقتصادی، مصرف‌گرایی فرهنگی و بحران‌های منابع روبه‌روست، این شیوه از تربیت، تنها راه بازگشت به استقلال، عدالت و پایداری تمدنی خواهد بود.

۴-۵- تربیت الگومحور: در منظومه تربیتی اسلام، «تربیت الگومحور» یکی از ارکان بنیادین در فرآیند پرورش انسان است. این رویکرد بر محور الگودهی و ارائه‌ی نمونه‌های عینی و عملی استوار است؛ بدین معنا که مربی می‌کوشد رفتار و کردار مطلوب را در عرصه‌ی عمل و تجربه‌ی زیسته در معرض دید متری قرار دهد تا زمینه‌ی مشاهده، درک و تقلید آگاهانه فراهم آید (فانمی، ۱۳۸۲، ص ۲۶). در این چارچوب، تربیت فراتر از انتقال مفاهیم نظری، فرآیندی پویا، تجربی و شخصیت‌ساز است که از رهگذر تعامل با «اسوه‌ها» و مشاهده‌ی الگوهای عینی تحقق می‌یابد.

اسلام با تأکید بر این اصل، تربیت را از سطح گفتار و توصیه‌های نظری به مرحله‌ی «سیرت و عمل» ارتقا می‌دهد و از طریق الگوهای رفتاری، بستر درونی‌سازی ارزش‌ها و شکل‌گیری هویت ایمانی و اجتماعی را فراهم می‌سازد. قرآن کریم با رویکردی تمدنی، به جای تکرار مستقیم دستورات اخلاقی، شخصیت‌های تاریخی و واقعی را به‌عنوان اسوه‌های الهام‌بخش معرفی می‌کند. در آیه‌ی «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (احزاب: ۲۱) پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان نمونه‌ی جامع ایمان، عدالت، عقلانیت و رهبری معرفی شده است.

قرآن کریم در قالب داستان‌های تربیتی، مجموعه‌ای از الگوهای تمدنی را معرفی می‌کند که هر یک تجلی بُعدی از تربیت جامع انسانی است. حضرت ابراهیم (ع) نماد توحید و پایداری در ایمان است: «وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَيْنَهُ وَيَعْقُوبَ...» (بقره: ۱۳۲) حضرت یوسف (ع) الگوی تدبیر اقتصادی و پاکدامنی، حضرت لقمان (ع) نماد تربیت اخلاقی و خانوادگی «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ...» (لقمان: ۱۲) و حضرت مریم (س) الگوی عفت، استقلال و کرامت زنانه است. این شخصیت‌ها، به‌عنوان الگوهای پایدار تربیتی، ضامن پیوستگی هویتی و فرهنگی امت اسلامی اند و مسیر رشد تمدنی انسان را جهت‌دهی می‌کنند.

در حوزه‌ی تربیت خانوادگی، سخن امیرالمؤمنین علی (ع) به امام حسن (ع) که می‌فرماید: «... وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْحَالِيَةِ، مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ...» (حلوانی، ۱۴۰۸، ص ۵۸) بیانگر میزان تأثیرپذیری عمیق متری از الگوهای رفتاری والدین است. در این دیدگاه، نقش تربیتی والدین و مربیان نه در گفتار، بلکه در سبک زندگی، نظم، ایمان و رفتار آنان متجلی می‌شود. جامعه‌ای که الگوهای آن مسئول، متعهد و عاقبت‌اندیش باشند، در برابر نفوذ فرهنگی و بحران‌های هویتی مقاوم و پایدار خواهد ماند. سیره اهل بیت (ع)، نیز مصداق بارز تربیت الگومحور در افق تمدنی است. از وصایای فرهنگی امام علی (ع) تا مکتب‌سازی امام سجاد (ع) و تربیت نخبگان به دست امام صادق (ع)، همه در تداوم این رویکرد قرار دارند؛ یعنی بهره‌گیری از الگوهای زنده برای مقابله با انحراف فرهنگی و بازسازی پیوست تمدنی اسلام.

در عصر رسانه و گسترش الگوهای مصرف‌گرای غربی، این شیوه تربیتی، سپری معرفتی و فرهنگی برای صیانت از اصالت هویت اسلامی و تحکیم بنیان‌های تمدنی امت است.

کارکرد تمدنی	منبع قرآنی/روایی	مولفه تربیتی
تربیت جامع شخصیت ایمانی و اجتماعی از طریق سیره نبوی	«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...»	اسوه بودن پیامبر O
انتقال مفاهیم تربیتی از طریق روایت‌های عینی و تاریخی	«وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ...»	الگوسازی انبیاء و اولیاء
تقویت تربیت غیرمستقیم از طریق الگوبودن والدین و معلم	«... وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالأَرْضِ الْحَالِيَةِ، مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ فَلَبِثَهُ...»	نقش تربیتی والدین و مربیان
مقاومت فرهنگی در برابر بحران‌های هویتی معاصر	سیره اهل بیت A و صحابه‌ی صالح	هویت‌سازی مبتنی بر اسوه‌ها

جدول (۵): ارکان تربیت الگومحور در تمدن اسلامی

تربیت الگومحور در اسلام، ریشه در فطرت انسان برای «الگوبرداری» دارد. قرآن و سنت، با بهره‌گیری از ظرفیت قصص، سیره و روایت‌های تاریخی، تلاش دارند تا الگوهای قابل درک، قابل تأمل و قابل تقلید به مخاطب ارائه دهند. این شیوه تربیتی، نه تنها فرد را در مسیر رشد شخصی هدایت می‌کند، بلکه زنجیره تمدنی را میان نسل‌ها پیوند می‌زند. در جهانی که هویت‌های مصنوعی با سرعت بازتولید می‌شوند، بازگشت به الگوهای وحیانی، تنها راه مقابله با سرگردانی فرهنگی و بازسازی شخصیت تمدنی انسان مسلمان است.

۵-۵- تربیت وصیت‌محور: در منظومه تربیتی اسلام، «وصیت» صرفاً توصیه‌ای شخصی یا سندی حقوقی نیست، بلکه راهبردی فرهنگی و تمدنی برای استمرار ایمان، اخلاق و هویت در میان نسل‌هاست. تربیت وصیت‌محور، یکی از ارکان عاقبت‌اندیشی تمدنی است که با انتقال منسجم ارزش‌های الهی و تجربه‌های تاریخی، از گسست فرهنگی جلوگیری کرده و پیوند هویتی امت اسلامی را استحکام می‌بخشد. قرآن کریم، وصیت را «حقی بر عهده متقین» دانسته و آن را فراتر از تقسیم مال، تکلیفی فرهنگی برای تداوم ایمان و مسئولیت تاریخی معرفی می‌کند:

«كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» (بقره: ۱۸۰)

این نگرش، نشان می‌دهد که وصیت در اسلام نوعی هوش فرهنگی تمدنی است؛ ابزاری برای انتقال تعالیم و مأموریت‌های معنوی که حافظ پایداری فرهنگی و دینی جامعه است. نمونه برجسته آن در وصیت حضرت ابراهیم (ع) و یعقوب (ع) مشاهده می‌شود:

«وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (بقره: ۱۳۲)

در این آیه، محور وصیت، پایداری در دین و هویت توحیدی است نه دارایی مادی؛ و بدین‌سان وصیت در قرآن، به مثابه نهادی تمدنی برای صیانت از ایمان و انسجام نسلی معرفی می‌شود.

وصیت امام علی (ع) به امام حسن (ع) در نهج البلاغه یکی از بارزترین جلوه‌های این الگوست؛ «بَادَرْتُ بِوَصِيَّتِي إِلَيْكَ مَعَ إِهْتِلَاءٍ عُمْرِي، وَأَنْتَهَاءِ أَجَلِي...» (نهج البلاغه، نامه ۳۱) متنی که در حقیقت بیانیه‌ای تمدنی درباره انسان، اخلاق، عدالت و نسبت او با خدا و جامعه است. چنین وصایایی، استمرار فرهنگی را در دل تاریخ تضمین می‌کنند و انتقال «هوش تمدنی» از نسلی به نسل دیگر را ممکن می‌سازند. امام سجاده (ع) نیز در صحیفه سجاده، والدین را حافظان تربیت و میراث فرهنگی معرفی می‌کند و وصیت را ادامه همان مسئولیت در سطحی تاریخی می‌داند: «اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرَبِّيَّتِي، وَأَثْبُهُمَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي، وَاحْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظْتَهُ مِنِّي فِي صَغَرِي» (صحیفه سجاده، دعای ۲۴) بدین معنا، تربیت وصیت‌محور، تلاشی آگاهانه برای تضمین بقا و پویایی تربیت ایمانی در طول نسل‌هاست.

تقدّم والدین در حکم وصیت - آن گونه که در آیات و روایات بیان شده - صرفاً یک ترتیب حقوقی نیست، بلکه نشانه‌ای روشن از جایگاه بنیادین والدین در فرآیند تربیت است. قرآن کریم در مواضع متعدد، والدین را نخستین مربیان انسان معرفی کرده است؛ چنان که می‌فرماید: «... وَقُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا» (اسراء: ۲۴). این تعبیر، بیانگر آن است که بنیان هویت ایمانی و اخلاقی انسان در دامن والدین نهاده می‌شود. از این رو، اولویت دادن به والدین در وصیت، تأکیدی الهی بر این حقیقت است که آنان که پایه‌های هویتی و تربیتی فرزند را استوار ساخته‌اند، نخستین صاحبان حقّ در دریافت میراث معنوی و فرهنگی او نیز هستند. به تعبیر دیگر، تقدّم والدین در وصیت، آشکارکننده آن است که تربیت، اساس انتقال هویت است و وصیت، امتداد طبیعی همان فرآیند تربیتی در افق آینده‌نگر و نسلی محسوب می‌شود.

در دنیای معاصر که رسانه‌ها و فرهنگ‌های بیگانه، ارزش‌های بومی را تهدید می‌کنند، وصیت‌محوری کارکردی حیاتی می‌یابد. انتقال ساختاریافته‌ی میراث فکری، خانوادگی و فرهنگی - از طریق نامه، خاطره، وصیت‌نامه معرفتی یا حتی «دفتر وصیت فرهنگی» - می‌تواند راهی مؤثر برای حفظ پیوستگی نسلی و بازتولید هویت تمدنی باشد.

کارکرد تمدنی	مبنای قرآنی/روایی	مولفه تربیتی
تقویت مسئولیت فرهنگی نسبت به نسل آینده	«كُتِبَ عَلَيْكُمُ... الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ...»	وصیت به عنوان وظیفه ایمانی
تثبیت ایمان و توحید در بستر خانواده و نسل	«وَوَصَّي بِهَا اِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ...»	هویت‌سازی دینی
هدایت نسل آینده با تکیه بر خرد گذشتگان	«بَادَرْتُ بِوَصِيَّتِي...»	انتقال تجربه و حکمت
جلوگیری از انقطاع راهبردهای اخلاقی و معنوی	سیره اهل بیت در وصیت‌نگاری	ساختاردهی بلندمدت تربیت
استمرار زنجیره هویت و تمدن در طول نسل‌ها	وصایای لقمان، پیامبر اکرم، ائمه اطهار Δ	میراث‌داری فرهنگی

جدول (۶): ابعاد تربیت وصیت‌محور در افق تمدنی اسلامی

تربیت وصیت‌محور، در نگاه اسلامی، از جایگاه یک توصیه‌ی فردی فراتر رفته و به‌عنوان سیاستی تمدنی برای انتقال هویت، حکمت و مسئولیت تاریخی عمل می‌کند. این شیوه، با تأکید بر پیوند میان گذشته، حال و آینده، مانع از سرگردانی نسل جوان در دنیای پیچیده‌ی امروز می‌شود. در جهانی که گسست نسلی و بحران معنا، تهدیدی جدی برای پایداری تمدن‌هاست، تربیت وصیت‌محور می‌تواند پلی فرهنگی میان اصالت و پویایی باشد. نسل‌هایی که با وصیت‌نامه‌های معرفتی و اخلاقی والدین و پیشوایان خویش پرورش می‌یابند، نه در هویت دچار بحران می‌شوند، نه در مسیر، بی‌راهنما می‌مانند؛ بلکه به‌عنوان حاملان رسالت تمدنی اسلام، در صحنه‌ی تاریخ حضوری فعال و مؤثر خواهند داشت.

نتیجه‌گیری

تربیت در منظومه فکری و تمدنی اسلام، هرگز فرآیندی محدود به اصلاح رفتار فردی یا انتقال مهارت‌های مقطعی نبوده است، بلکه همواره به‌عنوان سیاستی راهبردی، عاقبت‌اندیش و تمدن‌ساز تلقی شده است. برخلاف رویکردهای رایج معاصر که آینده‌نگری را عمدتاً در چارچوبی تکنوکراتیک و نهادی تحلیل می‌کنند، اسلام مفهوم «عاقبت‌اندیشی» را به‌مثابه نوعی هوش استراتژیک تمدنی معرفی می‌کند که بر اساس آن، هر تصمیم تربیتی با ملاحظه پیامدهای بلندمدت آن برای هویت فرهنگی، عدالت اجتماعی و مسیر تاریخی نسل‌های آینده اتخاذ می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بازخوانی نظام‌مند آیات قرآن کریم و روایات معتبر اهل بیت (ع)، نشان داد که منابع و حیانی اسلام ظرفیت ارائه الگویی منسجم و کاربردی برای تربیت آینده‌نگر تمدن‌ساز را دارا هستند.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که الگوی پنج‌گانه تربیت عاقبت‌اندیش - شامل تربیت دانش‌محور، مهارت‌محور، تربیت اقتصادی عاقبت‌اندیش، الگو محور و وصیت‌محور - چارچوبی جامع برای پرورش «انسان تمدنی عاقبت‌اندیش» فراهم می‌آورد. این الگو از حیث جامعیت، تمامی ساحت‌های بنیادین تربیت، اعم از معرفتی، کنشی، معیشتی، هویتی و تاریخی را پوشش می‌دهد و مانع از فروکاست تربیت به سطحی آموزشی، اخلاقی یا نهادی صرف می‌شود. در عین حال، تمایز روشن کارکرد هر یک از این مؤلفه‌ها، مانع از هم‌پوشانی مفهومی، ابهام نظری و تقلیل‌گرایی در طراحی نظام تربیتی می‌گردد و انسجام درونی مدل را تضمین می‌کند.

بر این اساس، الگوی پیشنهادی نشان می‌دهد که تربیت، زمانی می‌تواند نقش تمدن‌ساز ایفا کند که در افق عاقبت‌اندیشی طراحی شود و پیوندی معنادار میان حال، آینده و حافظه تاریخی جامعه برقرار سازد. هم‌افزایی عقلانیت تمدنی (دانش‌محوری و مهارت‌محوری)، عدالت اقتصادی و اجتماعی (تربیت اقتصادی عاقبت‌اندیش) و هویت فرهنگی-ایمانی (الگو محور و وصیت‌محوری)، همان سازوکاری است که در تجربه تاریخی تمدن اسلامی نیز ضامن پایداری و شکوفایی آن بوده است.

در نهایت، می‌توان گفت الگوی پنج‌گانه تربیت عاقبت‌اندیش، پاسخی مستند و نظری به پرسش بنیادین «آیا تربیت می‌تواند تمدن بسازد؟» ارائه می‌دهد. این الگو، ضمن اتکا بر نصوص و حیانی و شواهد تاریخی، قابلیت آن را دارد که به‌عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری تربیتی، برنامه‌ریزی آموزشی و بازانندیشی در نقش خانواده و نهادهای فرهنگی در جهان معاصر مورد استفاده قرار گیرد و مسیر بازسازی تربیت تمدن‌ساز اسلامی را در مواجهه با چالش‌های آینده هموار سازد.

پیشنهادها

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران آموزشی و فرهنگی، رویکرد تربیت عاقبت‌اندیش را به‌عنوان مبنای بازننگری در اسناد بالادستی و برنامه‌های تربیتی با افق‌های بلندمدت تمدنی قرار دهند. طراحی برنامه‌های درسی باید به‌گونه‌ای باشد که دانش‌محوری، مهارت‌محوری و تربیت اقتصادی عاقبت‌اندیش به‌صورت هدفمند و منسجم در خدمت تقویت عقلانیت تمدنی و عدالت اجتماعی قرار گیرد. همچنین، بهره‌گیری نظام‌مند از اسوه‌های قرآنی و نبوی و احیای رویکرد وصیت‌محور در خانواده، مدرسه و رسانه‌ها می‌تواند به تقویت هویت دینی و جلوگیری از گسست نسلی کمک کند. در نهایت، انجام پژوهش‌های تجربی و تطبیقی برای سنجش کارآمدی الگوی پنج‌گانه و توسعه ابزارهای ارزیابی عاقبت‌اندیشی تربیتی، به‌عنوان مسیرهای پژوهشی آینده پیشنهاد می‌شود.



ملاحظات اخلاقی پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آن‌هاست.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافع وجود ندارد.

حمایت مالی

نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

توضیح

در تدوین مقاله، از ChatGPT به عنوان ابزار کمکی به منظور بهبود ساختار منطقی، زبانی و روایی متن استفاده شده است. با این حال، کلیه محتوای نهایی این سند پس از بازبینی و اصلاحات لازم، مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین برای تهیه و ترسیم نمودارهای مورد استفاده در مقاله، از ابزار Napkin استفاده شده است.

منابع

- قرآن کریم (فولادوند، مترجم).
- نهج البلاغة (محمد دشتی، مترجم).
- الصحيفة السجادية، ترجمه‌ی حسین استاد ولی.
- آقاپور، علی؛ و پهلوان، فاطمه. (۱۳۸۶). آینده‌نگری؛ مبانی، ضرورت‌ها و روش‌شناسی‌ها، راهبرد توسعه، ۴(۹)، ۱۵۴-۱۷۶.
- بیرو، آلن. (۱۳۶۷). فرهنگ علوم اجتماعی (باقر ساروخانی، مترجم). انتشارات کیهان.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید (محمد ابوالفضل ابراهیم، محقق/مصحح). مکتبة آية الله المرعشي النجفي.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۷۵). مقدمه (محمد پروین گنابادی، مترجم). انتشارات علمی و فرهنگی.
- اکبرزاده، مهدی؛ فتاحی، منور؛ و فتاحی، راضیه. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل نقش آینده‌نگری در پیشرفت سازمان با تفسیربرداری از سیره مدیریتی حضرت علی (ع). فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت، ۳۰(۴)، ۲۳-۴۰.
- ایمانی، محسن. (۱۳۹۱). تربیت اقتصادی در راستای تحقق تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی. پیوند، ۳۴(۳۹۰-۳۹۱)، ۱۵-۱۶.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم (مصطفی درایتی، مصحح). بی نا.
- حسین‌زاده، هدایت. (۳۸۹). آینده‌نگری مثبت در نهج البلاغه. آموزش معارف اسلامی، ۷۶(۲)، ۴۶-۴۹.
- حلوئی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر. (۱۴۰۸ق). زهة الناظر و تنبیه الخاطر (مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، محقق/مصحح). مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا. (۱۳۷۴). تبیین نقش پیش‌بینی و آینده‌نگری در نظام مدیریت اسلامی. فصلنامه مطالعات مدیریت بهبود و تحول، ۲۰۵(۱)، ۱-۱۶.
- حیدری، محمد حسین و همکاران. (۱۳۸۴). آموزش و پرورش آینده‌نگر: اهداف و راهکارها. مجله علوم تربیتی، ۱۲(۲)، ۱۳۵-۱۶۲.
- doi: ۱۰/۲۲۰۵۵/edus.۲۰۰۵/۱۵۹۹۲
- خاک‌بازان، نوید؛ و رفیعی‌هنر، حمید. (۱۳۹۶). تبیین سازه «حزم» (آینده‌نگری) بر اساس اندیشه اسلامی. فصلنامه معرفت، ۲۶(۱۰)، ۶۱-۷۴.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۷). سیری در تربیت اسلامی. انتشارات دریا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴). مفردات الفاظ القرآن. مرتضوی.
- سپهری، محمد. (۱۳۸۵). تمدن اسلامی در عصر امویان. نورالثقلین.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۰۹ق). منیة المرید (رضا مختاری، محقق/مصحح). مکتب الإعلام الإسلامي.
- صادقی، مظفر. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر آینده‌نگری. رهیافت.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
 طب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. انتشارات اسلام.
 عرسان کیلانی، ماجد. (۱۳۹۴). درآمدی بر فلسفه تربیت اسلامی رویکرد تطبیقی (بهر روز رفیعی، مترجم). پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. انتشارات اشجع.
 فیومی، أحمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
قائمة مقدم، محمدرضا. (۱۳۸۲). روش الگویی در تربیت اسلامی. معرفت، ۱۲(۶۹)، ۲۵-۳۷.

قمی، عباس. (۱۴۱۴ق). سفینه البحار. اسوه.
 کارشکی، حسین؛ هاشمی، زهرا. (۱۳۹۳). نقش آینده‌نگری در انگیزش و عملکرد یادگیرنده؛ جستجوی ریشه‌های عملکرد و انگیزش در دورنمای آینده. مجموعه مقالات دومین همایش ملی روان‌شناسی تربیتی.

کشاورز، سوسن. (۱۳۸۶). مفاهیم آینده‌نگر در اسلام و آثار تربیتی آنها. تربیت اسلامی، ۲(۴)، ۱۳۱-۱۶۲.

کشت‌ورزگندازی، احسان. (۱۳۹۷). تعلیم و تربیت آینده با توجه به اسناد بالادستی. تخت جمشید.
 لیلی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ (للیلی) (حسین حسنی بیرجندی، محقق/مصحح). دار الحدیث.
 مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (سید هاشم رسولی محلاتی، محقق/مصحح). دار الکتب الإسلامیة.
 مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع). دار إحياء التراث العربی.
 محمدی ری شهری و همکاران. (۱۴۲۹ق). حکم النبي الأعظم (ص). دار الحدیث.
 مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). تعلیم و تربیت در اسلام. صدرا.
 موسوی، سیدتقی؛ اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۴). فقه تربیتی: مبانی و پیش‌فرض‌ها. مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
 مهدیان، محمدجعفر. (۱۴۰۱). کتاب مبانی و اصول تعلیم - تربیت (با رویکرد جامع‌نگری و آینده‌پژوهی). ساوالان.
 نوروزیان، سجاد. (۱۴۰۳). والدین هوشیار و تربیت آینده‌گرا. کلکین.
 ولایتی، علی اکبر. (۱۳۸۴). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران. وزارت امور خارجه.

Inayatullah, S. (۲۰۰۸). Six pillars: futures thinking for transforming. Foresight, ۱۰ (۱), ۴-۲۱.
<https://doi.org/10.1108/146366808108050991>

Open.ai. <https://chat.openai.com>

Napkin.ai. <https://app.napkin.ai>

پایگاه انتشارات